



The Main Characteristics of "Knowledge System" from the Islamic Point of View

Zahra Abolhasani^{1*}, Ahmadreza Okhovat²

1- Reasearcher, Technology studies
institute, Tehran, Iran

2- Reasearcher, Quran-o-Itrat school, University of
Tehran, Iran

Abstract

The shortcomings and limitations of the popular innovation models which have come to light in recent years, illustrates the necessity of developing new innovation models. Besides, the need to consider differences in terms of Islamic ontology and local demands are other factors support the need for an Islamic- domestic innovation models. Thus, this paper intends to propose a preliminary step towards an Islamic model of innovation. The method employed in this research is that of Hermeneutics and by this method, the nature of Islamic model of innovation and its characteristics have been described.

Keywords: Innovation models, shortcomings of popular models, domestic context, Islamic viewpoint.

* Corresponding author: zh.abolhasani@gmail.com

ویژگی‌های اصلی "نظام علم" در دیدگاه اسلامی

زهرا ابوالحسنی^{۱*}، احمدرضا اخوت^۲

۱- پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری

۲- پژوهشگر مدرسه دانشجویی قرآن و عترت، دانشگاه تهران

چکیده

ناکارآمدی‌ها و محدودیت‌های متعدد مدل‌های رایج نوآوری که در سال‌های اخیر بیشتر ظهور پیدا کرده، ضرورت تدوین مدل‌هایی جدید در این حوزه را آشکار می‌کند. همچنین جهان‌بینی متمایز اسلامی و لزوم ملاحظه اقتضائات بومی، از دیگر عواملی است که نیاز به تدوین مدل‌های نوآوری بومی-اسلامی را نشان می‌دهد. با توجه به این نیاز، پژوهش حاضر تلاش دارد تا گامی اولیه در مسیر تدوین این مدل بردارد. شیوه مورد استفاده در این تحقیق تفسیر اجتهادی است که با استفاده از آن ماهیت اصلی نظام اسلامی علم، ارکان این نظام و ویژگی‌های اصلی آن توصیف شده است. بر این اساس، ارکان نظام اسلامی علم شامل «جریان اجتماعی علم» و «حکومت اسلامی» است و مدل علم در نگاه اسلامی علاوه بر ویژگی نظام‌مندی، برخوردار از سیر و صیوریت و دارای شاکله می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مدل نوآوری، کاستی‌های مدل‌های رایج، اقتضائات بومی، دیدگاه اسلام

۱- مقدمه

توسعه به معنای جدید آن، اگر چه پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد [۱] اما دارای پیشینه‌ای است که به دوران رنسانس باز می‌گردد. مفهومی که با مبنا قرار دادن نیازهای مادی انسان به دنبال ایجاد بهشتی زمینی می‌باشد. اما آنچه در حال حاضر و با گذشت هفت دهه از آن روزگار مشاهده می‌گردد حرکتی است نافرجام که در تحقق جهانی آباد و قرین صلح و آرامش برای بخش عظیمی از نوع بشر در مانده است [۲]. وجود ضعف‌ها و محدودیت‌های متعدد در مدل‌های توسعه مدرن باعث شده که رویکردهای اصلی مطرح در آنها به دفعات اصلاح شود لیکن به دلیل اشکالات اساسی موجود در بینش‌های پایه و فلسفی، این مدل‌ها هنوز هم نتوانسته‌اند به آرمان رفاه موردنظر دست پیدا کنند.

بررسی سیر تحول نگرش‌ها در مفهوم توسعه، تأییدکننده این مدعا است: تمرکز اولیه بر مفهوم رشد اقتصادی در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی، به دلیل ظهور نتایج ناخوشایند طرح‌های توسعه و عدم موفقیت ادعاهای اولیه در خصوص کاهش تدریجی نابرابری توزیع درآمدها و حتی شدت پیدا کردن این نابرابری به ناامیدی گرائید. در دهه ۷۰ عواقب زیست‌محیطی توسعه اقتصادی، بسیاری از اندیشمندان و اقتصاددانان جهان را به تجدیدنظر اساسی در شاخص‌ها و اهداف توسعه ترغیب کرد و در دهه ۹۰ با پی‌بردن به کاستی‌های توسعه تقلیل‌یافته، این مقوله به توسعه انسانی گسترش پیدا کرد. [۳]

محدودیت‌های ذکر شده تنها مربوط به مدل‌های توسعه اقتصادی نبوده و مدل‌های گوناگون توسعه نوآوری نیز از وجود چنین ضعف‌هایی رنج می‌برند. دغدغه اصلی مدل‌ها و چارچوب‌های نوآوری موجود، دستیابی به اهداف اقتصادی است. اهدافی مانند بهره‌وری، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: zh.abolhasani@gmail.com

شاخص‌های توسعه نیز در این دو دیدگاه متفاوت هستند و دیدگاه اسلامی در فرآیند توسعه اقتصادی یا نوآرانه، شکل خاص خود را دارد.

علاوه بر این، اقتضائات خاص هر کشور و لزوم هماهنگی مدل‌های توسعه با این شرایط هم دلیل دیگری بر لزوم طراحی مدل‌های بومی توسعه و نوآوری است. به طور مثال، آروسنا^۱ معتقد است ایده‌های کلیدی و چارچوب‌های مسلط در حوزه سیاستگذاری علم و فناوری، در پاسخ به فرصت‌ها، نیازها و شرایط کشورهای توسعه‌یافته شکل گرفته‌اند و تبعاً اهداف و اولویت‌های مناسب این چارچوب‌ها برای جوامع و کشورهای جنوب نامناسب است [۷].

دلایل عدم تناسب چارچوب نظام‌های ملی نوآوری موجود برای سیاستگذاری علم و فناوری در کشورهای در حال توسعه را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

اولاً، NIS یک مفهوم پسینی است که مبتنی بر تجربیات کشورهای توسعه‌یافته بنا شده، در حالی که این مفهوم در خصوص کشورهای در حال توسعه یک مفهوم پیشینی است و چنین سیستمی در این کشورها تقریباً وجود ندارد. پس چارچوب مناسب برای سیاستگذاری و تحلیل نمی‌باشد. ثانیاً، مفهوم نظام ملی نوآوری دارای بار ارزشی است. اگر چه این رویکرد در ابتدا تنوع در نظام‌های مختلف را می‌پذیرد اما عملکرد برخی از آنها را بهتر ارزیابی می‌کند. نکته دیگر اینکه این مفهوم اساساً رابطه‌ای بوده و مبتنی بر شکل‌گیری ارتباط بین عاملان مختلف بنا شده، در حالی که در اغلب کشورهای در حال توسعه با فرض وجود نهادهای مربوطه، چنین رابطه‌ای به طور کامل شکل نگرفته است [۷].

به طور خلاصه می‌توان گفت که اشکالات متعدد مدل‌های نوآوری موجود، دیدگاه‌های خاص و کاملاً متمایز اسلامی در کنار ویژگی‌ها و اقتضائات بومی کشور، ضرورت تدوین مدل‌های جدید و بومی نوآوری را توجیه می‌کند.

در این تحقیق تلاش می‌کنیم مبتنی بر یک رویکرد اکتشافی و با استفاده از روش هرمنوتیک اجتهادی (تفسیر متون اسلامی) [۷]، ویژگی‌های اصلی مدل اسلامی توسعه علم را فهم نماییم. لازم به ذکر است که مفهوم علم در «مدل اسلامی توسعه علم» به همان معنای اسلامی آن که در منابع دست اول اسلامی

همواره به عنوان محور اصلی این سیاست‌ها تسلط داشته‌اند و اهداف اجتماعی و توزیعی در حاشیه قرار گرفته‌اند [۴]. همچنین این مدل‌ها به طور معمول بر مفاهیمی تأکید می‌کنند که باعث فراموش شدن گزینه‌های اساسی لازم جهت توسعه علم و فناوری با محوریت اهداف اجتماعی و توزیعی می‌شود [۵]. مدل‌های موجود با تکیه بر هستی‌شناسی غیرمناسب برای اجتماع و داشتن نگاهی تقلیلی به مفاهیمی چون نوآوری، یادگیری و سرمایه، قابلیت توجه به اهداف اجتماعی توسعه (همانند رفع نیازهای رفع نشده) را نخواهند داشت [۶].

مجموعه ضعف‌های یادشده در خصوص توانایی مدل‌های موجود توسعه (توسعه اقتصادی و توسعه نوآوری) جهت دستیابی به اهداف مورد نظر خود، بیانگر نیازی عمیق به مدل‌های جدید توسعه می‌باشد.

علاوه بر ضعف‌های بیان‌شده، جهان‌بینی و مبانی فلسفی متفاوت اسلام نیز دلیل دیگری بر لزوم مدل‌های جدید توسعه است. مبانی فلسفی اسلامی اعم از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ...، رویکرد خاصی را نسبت به توسعه و نوآوری و همچنین مدل‌های آنها به دنبال خواهد داشت. به طور مثال تفاوت در ارزش‌های بنیادی دیدگاه اسلامی چشم‌انداز متفاوتی از پیشرفت را ارائه می‌کند: به دلیل اهمیت رشد معنوی در جهان‌بینی اسلامی، توسعه و پیشرفت به عنوان امری صرفاً مادی در نظر گرفته نشده و رشد اخلاقی-معنوی نیز به اندازه رفاه مادی مهم ارزیابی می‌شود. همچنین به دلیل اهمیت ذاتی عدالت در دیدگاه اسلامی، دستیابی به رشد اقتصادی با وجود نابرابری‌های اجتماعی فاقد ارزش است.

علاوه بر این در دیدگاه اسلامی، فرآیندهای حرکت به سمت توسعه نیز دارای چارچوب‌های خاصی است که موجب تمایز بیشتر این دیدگاه از مدل‌های توسعه رایج خواهد شد. مثلاً جهت‌گیری‌های کلی تعیین‌شده برای رشد فردی و اجتماعی، هنجارهای تعریف‌شده در روابط مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... و حاکم بودن عدالت حقوقی در انواع تعاملات، بخشی از قیود فرآیند پیشرفت در دیدگاه اسلامی هستند.

به این ترتیب می‌توان گفت که نه تنها چشم‌انداز مطلوب جامعه اسلامی متفاوت از چشم‌اندازهای مطلوب مبتنی بر اندیشه‌های فلسفی مغرب زمین است بلکه مفهوم و

[۱۶]. همچنین اقبالی و حیدری به ارائه مبانی شاخص‌هایی متناسب با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت برای نوآوری همت گمارده‌اند. مبانی اصلی شاخص‌های نوآوری معرفی شده در این تحقیق عبارتند از: کمک به رستگاری انسان‌ها، کمک به درک عظمت خداوند و تعبد او به عنوان یگانه خالق بشر، کارآمدی، حرکت در میان دو مرز بدعت و واپسگرایی [۱۷]. مؤمن‌در پژوهشی دیگر به نحوه تنظیم سیاست‌های علم و فناوری در الگوی پیشرفت اسلامی پرداخته و تأکید می‌کند که لازم است سیاست‌های علم و فناوری به گونه‌ای باشد تا با لحاظ مبانی فکری، روش اجرا و محصولات تولیدی آنها در جهت گسترش معنویت و تعبد الهی قرار گیرند [۱۸].

فاتح راد و نقوی، به تبیین ویژگی‌های دانشگاه حکمت‌بنیان پرداخته و آن را به عنوان قلب الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت معرفی می‌کنند. این تحقیق سیر تکاملی دانشگاه‌ها را دارای ۴ مرحله می‌داند که از دانشگاه‌های نسل اول و سستی (آموزش‌محور) آغاز شده، در مرحله دوم به دانشگاه پژوهشی ارتقاء می‌یابد. در مرحله سوم، دانشگاه کارآفرین شکل گرفته و در نهایت نیز دانشگاه حکمت‌بنیان به عنوان شاخصی برای ظهور توسعه حکمت‌بنیان به وجود خواهد آمد [۱۹].

شاه ولی با معرفی پارادایم نظام متعالیه نوآوری تلاش کرده که زمینه نظری لازم برای تحقق پایداری در بوم کشاورزی کشور را فراهم نماید. این دیدگاه بر دیدن طبیعت (هستی‌شناسی) از ورای عینیت و نیز قائل شدن معنویت در تعریف آن تأکید دارد. وی همچنین قائل به آن است که دخل و تصرف در طبیعت تنها به قوانین حاکم بر آن و هنجارهای اجتماعی مؤثر محدود نبوده و اراده خالق نیز در مورد آن جاری است [۲۰]. بررسی پیشینه موضوع نشان می‌دهد که هیچ کدام از تحقیقات انجام‌شده، ویژگی‌های نظام اسلامی علم را مبتنی بر منابع اسلامی ارائه نکرده‌اند و این خلاء نظری می‌تواند توجیه کافی را برای پیشبرد مقاله حاضر فراهم نماید.

۳- روش‌شناسی پژوهش

در این بخش روش‌شناسی و روش مورد استفاده در این پژوهش ارائه شده و مورد بحث قرار می‌گیرد. رویکرد انتخاب‌شده در این پژوهش کیفی است چرا که به دنبال ایجاد یک نظریه جدید و نه اعتبارسنجی نظریه‌ای موجود است.

بکار رفته می‌باشد و با معنای رایج آن در ادبیات رایج علم و فناوری (Science) کاملاً متفاوت است. به بیان دیگر از آنجا که مفاهیم علم (Science) و همچنین فناوری و نوآوری، ریشه در ادبیات مشخصی دارند که استفاده از آن بار معنایی خاصی را به دنبال خواهد داشت از بکارگیری آن در توسعه یک مدل اسلامی پرهیز شده است. از سوی دیگر از آنجا که نمی‌توان در ادبیات اسلامی مفهومی را یافت که دقیقاً با مفهوم نوآوری یا فناوری مطابقت داشته باشد از بکارگیری این واژه‌ها نیز خودداری شده است.

۲- بررسی پیشینه موضوع

می‌توان پیشینه مرتبط با موضوع این مقاله را به دو دسته کلی تقسیم‌بندی نمود: دسته اول که دارای رویکرد فلسفی بوده و تحقیقاتی با موضوع کلی علم (و فناوری) اسلامی را دربردارند (اگر چه در میان این تحقیقات هم قسمت اعظم پژوهش‌ها حول محور «علم دینی-اسلامی» متمرکز شده و بخش بسیار ناچیزی به موضوع فناوری اسلامی اختصاص دارد). اغلب تحقیقات این دسته عمدتاً به بررسی امکان‌پذیری، چپستی، گستره و یا روش‌شناسی علم دینی پرداخته‌اند و به ارائه مدل‌هایی در حوزه علم، فناوری یا نوآوری اسلامی پرداخته نشده است [۸-۱۳]. برخی دیگر از تحقیقات انجام‌شده ذیل این دسته هم تنها به بررسی و نقد ماهیت فناوری از منظری فلسفی پرداخته‌اند [۱۴].

دسته دوم، از منظری کاربردی به مسأله ورود کرده و تلاش داشته‌اند مدل‌ها و یا پیشنهادهای کاربردی جهت توسعه نظام اسلامی علم (به معنای کلی بکارگرفته شده در این پژوهش) ارائه نمایند:

صادقی تلاش کرده الگویی بومی برای توسعه نوآوری ارائه نماید. وی در تحقیق خود اندیشه‌های مقام معظم رهبری را مبنای الگوی پیشنهادی‌اش قرار داده و با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد مدل خود را ارائه نموده است [۱۵]. سرآبادانی و سلامی تبیین ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توسعه فناوری و نقش آن در تدوین نقشه‌راه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را مورد بحث قرار داده‌اند و به ارائه الگویی جهت فراهم کردن سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از زیرساخت‌های نرم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت پرداخته‌اند

انسان‌شناختی آنها دانست با دخالت دادن پیش‌فرض‌های دینی در روش‌شناسی اکتشاف، تفسیری دینی از پدیده‌های انسانی قابل دستیابی خواهد بود [۲۱].

بر اساس این روش، ابتدا سؤالاتی مناسب با هدف پژوهش و با تفصیل هر چه بیشتر استخراج می‌شود (پیش‌فرض‌های استفاده‌می). این سؤالات دربردارنده موضوعاتی هستند که چارچوب اصلی نظام اسلامی علم را شکل می‌دهد. در گام بعدی، سؤالات طراحی شده به منابع دسته اول اسلامی (پیش‌فرض‌های معنایی) عرضه شده تا منابع ذکر شده متناسب با سؤالات موجود مرور شوند و با استفاده از روش صحیح تفسیر (پیش‌فرض‌های ابزاری)، تصریحات و یا دلالت‌های هر یک از این گزاره‌های متنی در پاسخ به این سؤالات استخراج شود. تحلیل و جمع‌بندی این پاسخ‌ها، تبیین‌کننده ویژگی‌های اصلی نظام اسلامی علم خواهد بود.

بر اساس روش مورد استفاده در این تحقیق، از داده‌های متنی - منابع دسته اول اسلامی - استفاده شده است. این منابع شامل کلیه آیات و روایات شیعی و کتبی است که دربردارنده این موارد می‌باشند. بر این اساس تمامی کتب و منابع موجود در نرم افزار جامع‌الاحادیث برای این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است (مجموعه ۲۵۹ کتاب روایی، که تعداد محدودی از آنها به صورت کامل مطالعه شده و بقیه به صورت گزینشی مورد استفاده قرار گرفته‌اند). همچنین در این پژوهش، قرآن کریم به عنوان منبع مهم دیگری در کنار روایات اسلامی مطرح می‌باشد.

از آنجا که ذکر کلیه فرآیندها و ادله تفسیری برای دستیابی به نتایج تحقیق امکان‌پذیر نبوده است در بخش بعدی، تنها به ذکر شواهدی مؤید نظر نویسندگان از منابع دست اول اکتفاء شده است. در ارائه شواهد متنی مورد نظر، گاهی برخی از کلمات متن داخل {} آمده است که نشان‌دهنده کانون تمرکز مفسر در بهره‌برداری از این مستند خاص می‌باشد.

۴- نظام اسلامی علم

در این بخش ویژگی‌های اصلی نظام اسلامی علم را توصیف خواهیم کرد. ابتدا مفهوم علم (مورد استفاده در این پژوهش) تعریف شده و در ادامه، تعریفی از نظام علم، که بیانگر ماهیت

همچنین این مقاله مبتنی بر تفسیر منابع دست اول اسلامی و بکارگیری آنها به عنوان داده‌های پژوهش است که این ویژگی هم دلیل دیگری بر انتخاب منظر کیفی برای این تحقیق است.

از منظری دیگر، به دلیل فقدان پژوهش‌های جامع قبلی در این خصوص، می‌توان این تحقیق را تحقیقی اکتشافی دانست.

متناسب با هدف اتخاذشده، تفسیر هرمنوتیک اجتهادی به عنوان روش اصلی پژوهش انتخاب شده است. این روش مبتنی بر رویکرد رئالیسم شبکه‌ای^۱ در معرفت‌شناسی است و دارای سه پیش‌فرض بایسته و یک پیش‌فرض نبایسته است:

- استفاده از پیش‌فرض‌های ابزاری: بکارگیری روش‌های تکنیکی، مصاحبه، پرسشنامه آماری و روش‌های پیمایشی، آزمایشی و آزمایشگاهی.

- استفاده از پیش‌فرض‌های استفاده‌می برگرفته از نظریه‌ها و حوادث (سؤالات): چنانچه بتوانیم از حوادث و نظریه‌های مختلف روزگار، سؤالات بیشتری را استخراج کنیم طبیعتاً جواب‌های بیشتری نیز قابل استخراج است.

- استفاده از پیش‌فرض‌های معنایی: نظام‌های فلسفی، انسان‌شناختی، ارزشی و مکتبی اسلام به محقق کمک می‌کند تا با کمک پیش‌فرض‌های ابزاری، پاسخی برای پرسش‌های برگرفته از پیش‌فرض‌های استفاده‌می بیابد.

- پیش‌فرض نبایسته‌ای هم که بایستی از آن پرهیز کرد عبارت است از پیش‌فرض‌های معنایی تحمیلی برگرفته از نظام‌های سکولار که رهن درک واقعیت به شمار آمده و پاسخگوی مشکلات جامعه اسلامی نخواهند بود.

تفاوت روش‌شناسی حکمی-اجتهادی با روش اجتهادی متعارف در این است که روش اجتهادی متعارف تنها برای استخراج مسائل فرعی از اصول و نصوص دینی به کار می‌رود اما روش‌شناسی حکمی-اجتهادی علاوه بر کارکرد روش‌شناسی اجتهادی متعارف، درصدد است تا با استفاده از پیش‌فرض‌های پیش‌گفته به استخراج تفسیری روشمند از پدیده‌های انسانی بپردازد. از آنجا که اختلافات فراوان میان عالمان علوم انسانی را می‌توان ناشی از پیش‌فرض‌های

۱- این رویکرد، از بدیهیات اولی که کشف آنها ذاتی است آغاز گردیده و سپس به بدیهیات ثانوی می‌رود. در ادامه نیز بر مبنای بدیهیات ثانوی، چندین گزاره معرفتی نظری و صادق استخراج می‌شود. رویکردهای رئالیستی - کمابیش - در استفاده و ابتناء بر "بدیهی" مشترک هستند اما سؤال این است که وجه تمایز این رویکرد (واسطه‌گری بدیهیات ثانویه) با وجه تسمیه آن (شبکه‌ای) چه نسبتی دارد؟

فردی، جمعی یا اجتماعی است که ریشه در هستی‌شناسی اسلامی دارد و با دیدگاه تقلیلی و صرفاً اقتصادی به رشد، اختلاف و تمایز جدی دارد. اما شاید نکته‌ای که باعث می‌شود از همان واژه برای هر دو معنا استفاده شود این است که با رویکرد متافیزیکی به معرفت^۲، هر دو معنا واجد دریافتی مشترک از معنا و مقام علم در رابطه "هستی و اراده انسان" هستند. به بیان دیگر در هر دو مبنا، علم به عنوان مظهر اراده انسان در فهم، تفسیر و تغییر عالم خارج به کار می‌آید. این وجه و بُعد مشترک در هر دو مبنا، منشاء راهبردی کلان برای تفاهم‌پذیر و قیاس‌پذیر بودن اندیشه‌ورزی پیرامون علم از دو منظر یادشده می‌باشد.

به طور کلی می‌توان گفت که در دیدگاه اسلامی، نظام علم هویتی دارای حیات، سلامت و رشد است در دو ساحت مختلف کالبد و روح است. همچنین این نظام دارای اجزاء گوناگون و عملکردهای مختلفی است که عملکردهای آن در قالب چارچوب‌ها و شاکله معینی انجام می‌پذیرد.

شکل تفصیلی‌تر تعریف پیشنهادشده به این صورت است: نظام اسلامی علم به دنبال رفع تمامی کمبودها، شکاف‌ها و نقص‌های موجود در حیات بشری (گسترش سلامت^۳) است و جهت دستیابی به این هدف، مسیرسازی کرده و سیری اجتماعی را دنبال می‌کند. همچنین این نظام، برخوردار از صیر در مراتب مختلف رشد خود می‌باشد. به بیان دیگر، نظام اسلامی علم، نظامی نامی^۴ است که در مراتب مختلف صیر و مراحل سیر خود به دنبال سلامت و حفظ و گسترش آن از طریق پیگیری عملکردهای این نظام در چارچوب حدود تعیین‌شده است.

چارچوب و حدود بیان‌شده برای چگونگی انجام عملکردها و نیز جهت‌گیری‌های کلی تعیین‌شده در سیر نظام اسلامی علم، شاکله این نظام را شکل می‌دهد و می‌توان آنها را به منزله روحی برای کالبد عملکردها و سیر اجتماعی نظام علم دانست. علاوه بر موارد فوق، اهمیت سلامت و رشد معنوی

این نظام باشد ارائه خواهد شد. در نهایت هم ویژگی‌های اصلی این نظام و ارکان و اجزاء آن تشریح می‌شود.

۴-۱- چستی علم

از مجموعه روایات چنین برداشت می‌شود که علم، حقیقتی استدارای مراتبی از جنس رشد. مراتب مختلف علم در فرآیند کسب و تبدیل شدن علم به نفع و ارتقاء نفع حاصل می‌شوند. اصلی‌ترین سازوکارهای دستیابی به نفع هم عبارتند از: بکارگیری، آموزش و بسط علم^۱ کسب‌شده. به این ترتیب باید گفت علم در اسلام دارای ماهیتی مشمول مراتب است و این مراتب عبارتند از: دانش کسب‌شده به صورت منفعل (به وسیله آموزش مستقیم از فردی دیگر) یا فعال (به واسطه تلاش‌های فردی)، بینش جامع و نظام‌مند حاصل‌شده نسبت به مجموعه علوم، جلوه‌های خارجی و عینی حاصل‌شده از بکارگیری علم در مقام عمل و تلاش‌های گوناگون (عینی یا ذهنی) برای ارتقاء نفع حاصل‌شده.

علم در این مقاله با علم به معنای متعارف، در برخی حیثیات دارای اشتراکلفظی و در برخی حیثیات دارای اشتراک معنوی است. به بیان دیگر در برخی ابعاد هستی‌شناسانه و شناخت‌شناسانه با یکدیگر تفاوت دارند. به طور مثال مفهوم اسلامی علم، اگر چه در بردارنده دانش تجربی است اما منحصر به آن نیست. همچنین اگر چه مفهوم اسلامی علم، بکارگیری علم و دستیابی به نفع از علم را به عنوان برخی از مراتب علم لحاظ می‌کند اما مراتب دیگری را نیز برای آن در نظر می‌گیرد. از دیگر تفاوت‌های عمده مفهوم اسلامی علم با مفاهیم رایج در ادبیات، اختلاف موجود بین تعریف نفع در دیدگاه اسلامی و خلق ارزش (با تأکید اکید بر خلق ثروت و ارزش اقتصادی) است. همچنین، ماهیت اصلی علم در دیدگاه اسلامی از جنس دستیابی به مراتب رشد (فردی یا اجتماعی و در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی-معنوی و ...) است که به این ترتیب دستیابی به اطلاعات، دانش‌ها و یا حتی فناوری‌های گوناگون^۲ مادامی که منجر به ایجاد رشد نشود علم محسوب نمی‌شود. روشن است که رشد مورد نظر دیدگاه اسلامی، رشد در مراتب وجودی مختلف اعم از

3-Metaphysics of knowledge

۴- سلامت در این تحقیق، در اصطلاح قرآنی آن و به معنای رفع تمامی شکاف‌ها، نقص‌ها و کمبودها به کار خواهد رفت (نقل به مضمون از تحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، ۱۸۷).

۵- دارای رشد و نمو

۱- اصلی‌ترین سازوکارهای بسط دانش کسب‌شده، کسب عبرت و فهم سنت‌ها است که توضیح آن در چارچوب این مقاله نمی‌گنجد.

۲- به معنی دسترسی به ابزارها و یا شیوه‌های گوناگون

حکومت اسلامی و جریان اجتماعی علم، مسئولیت‌های خود را درست و کامل انجام دهند افراد و جامعه از توانمندی‌ها و رشد حاصل از علم، منتفع خواهند شد و در غیر این صورت، دستاوردهای گوناگون این نظام به طور جزئی و یا حداقلی تحقق می‌یابد.

جهت آشنایی بیشتر با دو رکن اصلی معرفی شده، در ادامه مفهوم «جریان اجتماعی علم» تبیین شده و نقش دو رکن حکومت اسلامی و جریان اجتماعی علم تشریح خواهد شد.

۴-۲-۱ جریان اجتماعی علم

«جریان اجتماعی علم» شامل کلیه تلاش‌های علمی مجموعه هویت‌های فعال در نظام علم (بجز حکومت اسلامی) در جهت پیگیری عملکردهای این نظام و سیر و صیر نظام علم به سمت مقصد سلامت و نجات می‌باشد و شامل اجزاء گوناگون دارای نقش‌های مختلف است. «حرکت جمعی علمی» جزء بنیادین این جریان بوده و سایر اجزاء نظام همگی به نوعی به این جزء مرتبط هستند. حرکت‌های جمعی ذکر شده، حاصل هماهنگی و هم‌افزایی میان مجموعه‌ای از تلاش‌های فردی آگاهانه و مختارانه است که در سطح خرد نظام علم و با هدف دستیابی به رشد شکل گرفته‌اند. می‌توان جریان اجتماعی علم را متشکل از «حرکت‌های علمی جمعی»^۵ و «تلاش‌های فردی»^۶ دانست که استمرار و همسوی بودن آنها، تضمین‌کننده بقاء این جریان می‌باشد.

دغدغه افراد و هویت‌های فعال در این نظام برای دستیابی به رشد، زمینه اصلی شکل‌گیری جریان علم در سطح خرد می‌باشد. این دغدغه ریشه در مبانی انسان‌شناسی اسلامی دارد و به عنوان مهم‌ترین عامل تحریک تلاش‌های هویت‌های فعال در سطح خرد مطرح است. بر اساس این دیدگاه، رشد از طریق انجام احسن مسئولیت‌های کلی تعیین شده برای هویت‌های مختلف قابل دستیابی است. محدودیت و وسع افراد

۵- حرکت جمعی علمی، مجموعه افرادی است که تلاش دارند در قالب تعاون و همکاری با یکدیگر، مسئولیت‌های محول شده به ایشان در نظام علم را به سرانجام رسانند. حرکت جمعی علمی، در کوچکترین اندازه خود متشکل از عالم و متعلم [از آنجا که تعلیم و تعلم زمینه‌مند (Contextualized) است جزء زمینه و محیط را هم باید بدان افزود] می‌باشد. جزئیات بیشتری در مورد اجزاء حرکت جمعی علمی و فعالیت‌های مختلف این حرکت‌ها در قسمت‌های بعدی بیان خواهد شد.

۶- فعال بودن به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هویت‌های فعال در این جریان، مبنایی برای گزینش عنوان این مفاهیم بوده است.

این نظام در کنار گسترش کمی آن، از دلایلی است که نظام اسلامی علم را به نظامی دوساحتی مبدل نموده است.

۴-۲-۲ ارکان نظام علم اسلامی

نظام اسلامی علم، به عنوان مهم‌ترین اجزاء خود، دارای دو رکن اصلی حکومت اسلامی و جریان اجتماعی علم است و این دو رکن دارای نوعی ائتلاف دائمی و رابطه تکمیلی برای پیشبرد اهداف نظام علم می‌باشند. چنین ساختاری بر پایه نگاه زوجیتی در هستی‌شناسی اسلامی قابل توضیح است^۱ و در مبانی نظری این دیدگاه، کسب علم و دستیابی به رشد بر تلاش‌های مکمل دو نقش پایه و اصلی معلم و متعلم استوار است.^۲ ترجمه این رویکرد مبنایی در بستر نظام علم، معادل با سپردن نقش معلمی به حکومت اسلامی (حاکم اسلامی^۳) می‌باشد. بر این اساس، جامعه در جایگاه متعلمین قرار خواهند گرفت.^۴ مطابق با این تقسیم مسئولیت، کلیه فعالیت‌ها و وظایف حاکم اسلامی و کارگزاران او در قالب «تعلیم» و تمامی فعالیت‌های بدنه مردمی اجتماع (جریان اجتماعی علم) در قالب «تعلّم» قابل تشریح می‌باشد. چنانچه دو رکن اصلی

۱- الحیاء با ترجمه احمد آرام ج ۴ ص ۴۳۷ الإمام علی «ع»: «إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا ازدوجت ...

۲- در دیدگاه اسلامی، اولین و اصلی‌ترین روش دستیابی به علم مراجعه به عالم و استفاده از تعالیم و بکارگیری دستورات او است. پیگیری این فرآیند اصلی‌ترین پویایی دستیابی به مراتب بالاتر علم در نگاه اسلامی است. چنین نگاهی به چگونگی کسب علم تا اندازه‌ای روایات غالبه دارد که پژوهشگر حوزه علم، فناوری و نوآوری را با این سؤال جدی مواجه می‌کند که آیا تحقیقات جدید و اکتشاف‌ها و اختراعات در روایات باب علم جایگاهی دارند؟ یا روایات ما هیچ تأکیدی بر تولید علم جدید ندارند و تنها به تعلیم و انتشار دانش موجود در میان علما اکتفاء کرده‌اند. اگر چه در ادامه این مقاله به این سؤال پرداخته می‌شود و نشان داده خواهد شد که چگونه علوم جدید نیز مبتنی بر پویایی اصلی کسب علم از عالم و سپس بکارگیری آن تولید خواهند شد. محتوای برخی از روایات، تأییدی بر ادعای فوق در مورد چگونگی کسب علم جدید در دیدگاه اسلامی است: ۱- تمامی روایت‌های موجود در مورد چگونگی کسب علم که - به صورت صریح یا ضمنی - بر رجوع به عالم و سؤال از او برای کسب علم اشاره دارند. ۲- روایاتی که علماء - و نه کتاب‌ها و مقالات - را به عنوان منبع اصلی علم معرفی می‌کند.

۳- منظور از حاکم اسلامی در این پژوهش، حاکم اسلامی معصوم است. اگر چه مراتبی از تمامی موارد ذکر شده در مورد نظام اسلامی علم در شرایط حکومت نایبان عام یا خاص معصوم نیز صادق است.

۴- این ایده، با دیدگاه اسلام در مورد مسئولیت حکومت اسلامی در مورد تعلیم و تربیت عموم افراد جامعه کاملاً انطباق دارد. الغارات (ط - الحدیثه) / ج ۲ / ۶۹۲ / التعلیقه ۱۰ (ص ۳۶) شرح حول بعض فقرات الخطبه و نقلها عن تاریخ الطبری ص ۶۸۹ أما بعد فان لی علیکم حقاً، و ان لکم علی حقاً، فأما حقکم علی فالنصیحه لکم ما صحبتکم، و توفیر فیئکم علیکم، و تعلیمکم کما لا تجهلوا، و تأدیبکم کی تعلمو.

جریان علم است.^۳ چنانچه امام رضا (ع) در روایتی می‌فرماید که «القاء اصول بر عهده ما (ائمه به عنوان معلمان) و تعیین فروع و شاخه‌های آن بر عهده شما (به عنوان متعلم) است».

حکومت اسلامی در پیگیری هدف تعلیمی خود نقش مهم و فعالی را به فرد و جامعه واگذار می‌کند به گونه‌ای که از منظر بیرونی، می‌توان کلیه دستاوردهای حاصل در نظام علم را به جریان علم نسبت داد. به همین دلیل، اگر چه حکومت اسلامی^۴ به تمامی دانش‌های مورد نظر برای رفع نیازهای فرد و اجتماع آگاه است اما تنها بخشی از این دانش‌ها را که پیش‌نیازی ضروری برای شکل‌گیری تلاش‌های فردی و یا حرکت‌های جمعی در جریان علم می‌باشند به صورت مستقیم در اختیار ایشان می‌گذارد.

توجه به ماهیت مختار و فعال جریان اجتماعی علم در کنار توجه به مسئولیت حکومت اسلامی برای رشد جریان علم تأییدی بر این مدعا است که می‌بایست نظام اسلامی علم را به صورت نظامی دارای دو ستون و پایه مستقل و مجزا (و البته کاملاً مرتبط با هم) تعریف نماییم.

پس از تبیین کلی ماهیت نظام اسلامی علم، ارکان و اجزاء این نظام در ادامه ویژگی‌های اصلی آن تشریح خواهد شد.

۵- ویژگی‌های اصلی نظام علم عدالت‌گستر

با توجه به تعریف ارائه شده برای نظام اسلامی علم، می‌توان گفت که نظام علم اشاره به هویتی نظام‌مند، فعال و پویا، زنده و برخوردار از حیات و رشد دارد. همچنین رشد و حیات این نظام در دو ساحت کالبد و روح بوده و کلیه عملکردهای این نظام در چارچوب شاکله‌ای معین پیگیری می‌شود. چگونگی بروز این چهار ویژگی اصلی جریان علم یعنی نظام‌مندی، سیر داشتن و مسیرساز بودن، رشد و شاکله به صورت زیر قابل توضیح است:

۵-۱ نظام‌مندی

وجود مقصدی نهایی برای نظام علم و تعامل بین اجزاء مختلف این جریان جهت دستیابی به مقصد مذکور، شاهدی بر نظام‌مند بودن جریان اجتماعی علم است. همانگونه که بیان

در پیگیری این مسئولیت‌ها تا رسیدن به مقصد نهایی نظام علم (نجات تمامی انسان‌ها از تمامی نواقص و کاستی‌ها) از یکسو و اشتیاق فراوان «هویت‌های فعال» در تجربه مراتب بالاتر رشد از سوی دیگر، انگیزه کافی برای مجتمع کردن تلاش‌های فردی، ایجاد حرکت‌های علمی جمعی و نهایتاً جریان اجتماعی علم را فراهم می‌کند. تلاش و همکاری عموم افراد و هویت‌های اجتماعی برای انجام این مسئولیت‌ها در نظام علم، موجب همسو شدن این تلاش‌ها در سطح خرد و شکل‌گیری جریان اجتماعی علم در سطح کلان خواهد شد.

۴-۲-۲ حکومت اسلامی

بر اساس این دیدگاه، مسئولیت اصلی تعلیم و زمینه‌سازی رشد جریان اجتماعی علم بر عهده حکومت اسلامی است. بر این اساس، می‌توان چهار وظیفه اصلی را برای حکومت اسلامی برشمرد: خیرخواهی نسبت به مردم، افزایش درآمدهای عمومی و توزیع عادلانه آن، تعلیم و تأدیب. خیرخواهی حکومت اسلامی به معنی بکارگیری نهایت تلاش و توان در مسیر جلب حداکثری مصالح و منافع برای فرد و اجتماع و نهی کردن جامعه از آن چیزی است که برای ایشان مفسده‌انگیز است.^۱ بر اساس این مسئولیت، حکومت اسلامی وظیفه دارد که اولاً به ساماندهی نیازهای افراد و جامعه بپردازد و ثانیاً زمینه پاسخ‌گویی صحیح به این نیازها و جلب منافع واقعی را فراهم نماید.

همچنین اگر چه حکومت اسلامی وظیفه تعلیم و تأدیب فردی و اجتماعی را بر عهده دارد اما این مسئولیت به معنی آموزش مستقیم و بدون واسطه تمامی علوم و یا رفع مستقیم تمامی نیازهای جامعه توسط حکومت اسلامی نمی‌باشد. حکومت اسلامی در پیشبرد اهداف خود از شیوه‌های متعددی بهره می‌گیرد اما شیوه تعلیمی حکومت اسلامی در چارچوب الگوی تعلیم و تربیت اسلامی است. بر اساس این الگوی تربیتی، اصلی‌ترین شیوه حکومت، تعلیم مستقیم (نه الزاماً بدون واسطه) برخی از اصول و مبانی^۲، هم‌زمان با فراهم کردن زمینه فعالیت و رشد علمی افراد، حرکت‌های علمی و

۱- نقل به مضمون از فرهنگ ابجدی عربی- فارسی ج ۱ ص ۹۱۷، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر ج ۶ ص ۶۳.

۲- السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات) / ج ۳ / ۵۷۵ / و من ذلک ما استطرفناه من جامع البنظی صاحب الرضاع ص ۵۷۲ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاعِ قَالَ عَلَيْنَا إِقْفَاءُ الْأَصُولِ إِلَيْكُمْ وَعَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ

۳- شامل انجام تمام عملکردهایی که در توصیف ویژگی‌های نظام علم خواهد آمد.

۴- حاکم اسلامی معصوم

- فراهم کردن زمینه‌ها و بستر مناسب مورد نیاز عملکردهای مختلف (الزامات و بسترهای گوناگون مالی، دانشی، فرهنگی، اجتماعی و ...)^۸
- رفع موانع پذیرش دانش کسب‌شده توسط دیگران^۹
- توسعه آداب مورد نیاز (به معنی کسب دانش چگونگی جلب منافع مورد نظر متناسب با اقتضائات خاص هر بستر، اعم از سلايق، ارزش‌های اجتماعی و ... است)^{۱۰}
- انتشار دانش^{۱۱}
- فراهم کردن بستر حیات و رشد مادی و معنوی جریان علم^{۱۲}

لازم به ذکر است که دیدگاه اسلامی نه تنها تبیین‌کننده عملکردهای اصلی این نظام می‌باشد بلکه رویکردها و چارچوب‌های اصلی در انجام این عملکردها و فعالیت‌ها را نیز مشخص می‌کند. گونه‌های اصلی تعاملات شکل‌گرفته در سطوح مختلف این نظام در قسمت‌های بعدی به تفصیل خواهد آمد.

۵-۲ سیر نظام علم

همانگونه که گفته شد یکی از ویژگی‌های اصلی نظام علم در دیدگاه اسلام، حرکت و سیر اجتماعی این نظام است. سیر اجتماعی نظام علم به این حقیقت اشاره دارد که این نظام دارای ماهیتی فعال است و در فعالیت خود مقصدی معین را دنبال می‌کند. ماهیت فعال به این حقیقت اشاره دارد که نظام علم در تعامل با محیط برای دستیابی به مقصد خود، مسیرسازی کرده و سیری اجتماعی را در دستیابی به هدف خود دنبال می‌کند. مقصد کلان سیر نظام علم، نجات همه انسان‌ها از تمامی ابتلائات و مشکلات است^{۱۳} که از پیگیری مستمر هدف سلامت^{۱۴} (رفع کاستی‌ها و کمبودها) در سطح

شد مقصد نهایی نظام علم، نجات انسان‌ها از کلیه آسیب‌ها و ابتلائات (در دو بُعد مادی و معنوی) است و دستیابی به آن از طریق نوعی تقسیم کار و شکل‌گیری مجموعه‌ای از تعاملات اجتماعی در انجام فعالیت‌ها و عملکردهای اصلی تعریف‌شده می‌باشد. بنابراین وجود اجزاء مختلف، نوعی از تقسیم کار، همکاری و تعامل در انجام فعالیت‌ها و عملکردهای اصلی و مقصد نهایی تعریف‌شده در این نظام، بیانگر ماهیت نظام‌مند علم در دیدگاه اسلامی است.

عملکردهای اصلی این نظام، هماهنگ با تکالیف تعیین‌شده برای اجزاء مختلف این نظام می‌باشد. به بیان دیگر، وظایف و عملکردها در سطوح مختلف این نظام (حرکت‌های جمعی علمی و سطوح بالاتر از آن) به گونه‌ای تعریف شده‌اند که کاملاً با یکدیگر همسو و متشابه و همچنین مبتنی بر مسئولیت‌های اصلی و پایه‌ای هر فرد در این نظام می‌باشد.^{۱۵} بر این اساس، عملکردهای اصلی تعریف‌شده در نظام علم عبارتند از:

- گسترش فرهنگ علمی^{۱۶}
- کسب علم (شامل کسب منفعل و فعال علم)^{۱۷}
- دستیابی به حکمت (برنامه عملیاتی متقن و جامع که بر دو پایه علم و منافع مورد نظر استوار است)
- ساماندهی دانش کسب‌شده (حفظ کمی دانش‌ها، به‌روزرآوری آنها و فهم جایگاه هر گزاره علمی در نسبت آن با مجموعه منسجم و جامعی از تمام علوم)^{۱۸}
- جهت‌دهی به عملکرد (منافع مورد نظر)^{۱۹}
- ایجاد انگیزه در نظام علم (انگیزه جلب منافع گوناگون)^{۲۰}
- بکارگیری علم (شناسایی کاربردهای مختلف یک علم و یا تلاش برای بکارگیری دانش جهت حل مشکلات)^{۲۱}

۷- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...و {یده} الرحمة
 ۸- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...و {رجله} زیارة العلماء
 ۹- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...و {سِلَاخَةٌ} لِيْنُ الْكَلِمَةِ وَ {سَيْغَةُ} الرُّصَا وَ {قَوْسُهُ} الْمَدَارَةُ وَ {جَيْشُهُ} مُخَاوَرَةُ الْعُلَمَاءِ
 ۱۰- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...و {ماله} ادب
 ۱۱- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...و {ماله} ادب
 ۱۲- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...و {زاده} المعروف و {مَأْوَةٌ} الْمَوَادِعَةُ
 ۱۳- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...مقصده نجاه
 ۱۴- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...و همته السلامة

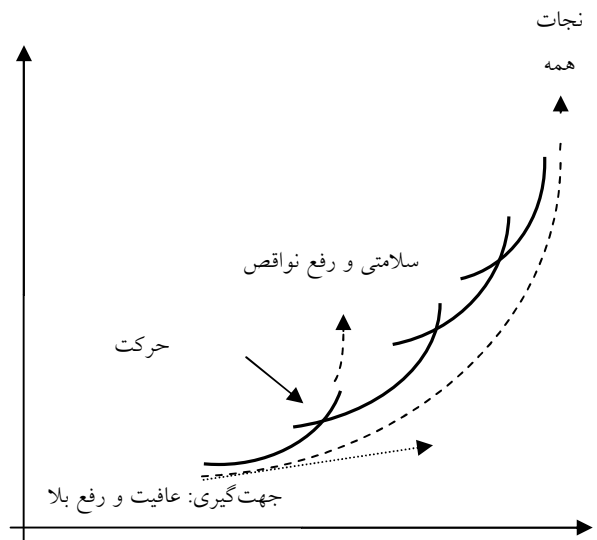
۱- تمامی افراد در این نظام دارای مسئولیت کسب منفعل و فعالانه علم، حفظ، بکارگیری و بسط و نشر آن علم را بر عهده دارند (وظیفه انصاف، استماع، حفظ، عمل و نشر علم).
 ۲- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...فراسه التواضع
 ۳- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...و {عینه} برائهُ من الحسد و {اذنه} الفهم و {لسانه} الصدق
 ۴- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...و {حفظه} فحص
 ۵- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...و {عقله} معرفة الاشياء و الامور
 ۶- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً...و {قلبه} حسن النية

نباید‌ها^۳، تنظیم می‌شود. بر اساس اصل نیاز به تعیین شاکله رفتارها برای حفظ سیر نظام علم در مسیر سلامت و نجات و امکان ارائه شیوه‌های متعدد برای حل یک مسأله، دیدگاه اسلامی معیاری کلی را برای انتخاب روش مناسب از میان مجموعه روش‌ها معرفی می‌کند. در این دیدگاه، معیار اصلی در انتخاب یا حذف گزینه‌های مختلف، سازگار بودن آنها با اصول و حدود تعریف‌شده در نظام علم است. حرکت‌های علمی و نظام علم در انتخاب راه‌حل نهایی خود برای ایجاد سلامت و رفع کمبودهای موجود در حیات انسانی، از حذف گزینه‌های غیر قابل قبول کمک می‌گیرد و در نهایت گزینه‌ای که فاقد تعارض با چارچوب‌ها و یا حدود تعریف‌شده در نظام علم است را انتخاب خواهد کرد^۴. از اصلی‌ترین حدود تعریف‌شده در نظام علم، چارچوب‌های شکل‌گرفته در قالب احکام عدالت اجتماعی، نظام حقوق و تکالیف و یا خطوط قرمز تعیین‌شده توسط بایدها و نبایدهای فقهی و اخلاقی است^۵.

چنانکه اشاره شد، ارائه الگوی کلی توصیف‌شده برای گزینش راه حل‌ها، هماهنگی با ویژگی این نظام در ارائه شاکله برای تمامی عملکردها و فعالیت‌های اصلی این نظام است. این الگو چارچوبی کاملاً منعطف برای انتخاب راه‌حل‌های مناسب جهت ایجاد سلامت در حیات اجتماعی است و فرصت رشد مستمر در پیشنهاد راه‌حل‌های بهتر و کامل‌تر را فراهم می‌کند. زیرا افزایش شناخت نسبت به اصول و حدود و به طور کلی نبایدهای نظام علم (حتی نبایدهایی که از جنس ضرورت‌های اخلاقی هستند)، امکان حل مسائل را به گونه‌ای که بیشترین سازگاری را با مقصد کلی نجات داشته باشد فراهم می‌کند^۶. همچنین، موفقیت نظام علم در پیمودن این مسیر و دستیابی به مقصد نجات، نیازمند وجود بستر مناسب است که شامل تعهد و پایبندی افراد و نقش‌های فعال در نظام علم به انجام مسئولیت‌های تعیین‌شده برای ایشان در نظام علم می‌باشد

خُرد این نظام حاصل خواهد شد. هر یک از اجزاء بنیادی نظام علم، دارای حرکتی در جهت گسترش سلامت هستند^۱ که برآیند این حرکت‌ها، شکل‌دهنده سیر نظام علم در جهت نجات انسان‌ها می‌باشد. نظام علم در پیگیری این مقصد کاملاً فعال بوده و برای دستیابی به آن، دارای راهنما و برنامه و همچنین بستر مناسب برای سیر می‌باشد.

شناسایی ابتلائات و خلاءهای اصلی موجود در حیات انسانی و تلاش برای رفع آنها، به مثابه گام‌های اساسی‌ای است که از یک‌سو جهت حرکت و سیر نظام علم را تعیین می‌کند و از سوی دیگر، زمینه ساخته شدن مسیر این نظام به سمت مقصد نجات را فراهم می‌نماید^۲. شمایی کلی از سیر نظام اسلامی علم و چگونگی هماهنگی بین حرکت‌های خُرد موجود در این نظام را در شکل ۱ می‌توان مشاهده نمود. منحنی‌های کوچک بیانگر چگونگی سیر حرکت‌های جمعی (سطح خُرد) و منحنی بزرگتر (خط‌چین) نشان‌دهنده سیر کلی نظام علم است. همچنین، محور افقی جهت سیر نظام علم بوده و محور عمودی آن بیانگر اهداف در حال تعقیب توسط اجزاء خُرد این نظام (حرکت‌های علمی) و نیز کلیت این نظام می‌باشد.



شکل ۱) شمایی کلی چگونگی هماهنگی حرکت‌های خُرد در جریان علم و سیر کلی این نظام

برنامه عملیاتی نظام علم در سیر خود برای گسترش سلامت و دستیابی به نجات، مطابق با الگوی کلی «دوری از نبایدها^۳»

۱- که حاصل انجام عملکردهای تنظیم‌شده این اجزاء در جهت سلامت می‌باشد.

۲- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُوقَضَائِلَ كَثِيرَةً... و قانده العافیة

۳- ورع

۴- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُوقَضَائِلَ كَثِيرَةً... و حکمه ورع

۵- تشریح اصول دیدگاه‌های نظام علم و یا حدود تعریف‌شده ذیل نظام حقوق و تکالیف، خارج از چارچوب این مقاله است.

۶- بر اساس دیدگاه اسلامی؛ حدود، چارچوب‌ها و خط قرمزهای تعیین‌شده بیانگر مرزهای حرکت در مسیر سلامت و نجات هستند که خروج از این مرزها، به معنای دور شدن از آن مقصد است.

نسبت به دیگران)، گفتگو و استدلال‌های علمی در مواجهه با افراد، حرکت‌ها یا حتی جریان‌های علمی مخالف است. نظام اسلامی علم بر این اساس تلاش دارد تا زمینه اقتناع، همراهی و جذب افراد یا حرکت‌های جمعی را نسبت به دیدگاه‌های علمی خود فراهم نماید.

پس از رفع موانع ذکرشده، نظام علم به نشر مورد نیاز برای رفع کمبودها و گسترش سلامت می‌پردازد. کمک به رفع نیازهای گروه‌ها توسط خود ایشان و از طریق تعلیم علوم مورد نیاز به این افراد، رویکردی اصلی در سیر نظام علم برای گسترش سلامت است. بر اساس رویکرد بیان‌شده، بخش مهمی از فرآیند گسترش سلامت مربوط به انتقال علوم و شیوه‌های لازم برای رفع کمبودهای موجود گروه‌های مختلف است. چنانچه در مورد مواجهه ذوالقرنین (ع) با قومی و درخواست ایشان برای ایجاد یک سد توسط وی، در قرآن آمده است: «ذوالقرنین (ع) گفت من به مال شما نیازی ندارم. آنچه پروردگارم به من در آن توانایی بخشیده بهتر از دستمزدی است که شما به من می‌پردازید. اگر خواهان بنای سد هستید مرا با نیروی انسانی و تهیه مصالح یاری کنید. من میان شما و آنها سدی استوار بنا خواهم کرد. سپس گفت پاره‌های آهن به من بدهید. پس از آنکه پاره‌های آهن را آوردند آنها را روی هم چید و وقتی میان آن دو کوه را با پاره‌های آهن و مواد لازم پُر کرد و آن دو را برابر ساخت گفت: در دم‌های آهنگری بدمید. هنگامی که آنها را بسان آتش گذاشته کرد گفت مس ذوب‌شده به من بدهید تا بر شکاف‌های آن فروریزم»^۳.

این علوم و شیوه‌ها بسته به شرایط و مراتب رشد صاحبان نیاز، می‌تواند در قالب آموزش دانش‌های عملیاتی لازم برای رفع نیاز، مدیریت فرآیند رفع نیاز و یا حتی در اختیار گذاشتن خدمت یا محصول نهایی برای رفع آن می‌باشد. در پیشنهاد شیوه‌های مناسب پیشنهادشده جهت رفع نیازها و جلب سلامتی برای مناطق و یا گروه‌های مختلف، شرایط و

(پیگیری عملکردها و سایر مسئولیت‌های تعریف‌شده برای نقش‌ها و اجزاء مختلف نظام). همانگونه که قبلاً هم توضیح داده شد افراد و اجزاء مختلف فعال در جریان علم، دارای اختیار کامل در پذیرش و یا عدم پذیرش مسئولیت‌های خود در این نظام هستند و به همین دلیل رکنی مستقل در نظام علم به شمار می‌آیند. بر اساس قدرت اختیار ذکرشده و نقش مهم و بی‌بدیل افراد در رشد نظام علم، پذیرش آگاهانه و مختارانه مسئولیت‌ها توسط جریان علم و اجزاء آن، مهم‌ترین بستر مورد نیاز برای حرکت و سیر نظام علم به سمت مقصد مطلوب می‌باشد^۱.

رویکرد اصلی نظام علم در دستیابی به مقصد نجات، رفع موانع پذیرش علم مورد نیاز برای ایجاد سلامت و سپس نشر این علم می‌باشد. اصلی‌ترین موانع پیش‌روی پذیرش شیوه‌های سلامت، مقاومت‌های اجتماعی است. گرچه این مقاومت‌ها دارای ریشه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، تربیتی یا سیاسی است و به دلایل گوناگون و از سوی گروه‌های مختلف اجتماعی صورت می‌گیرد اما بخش عمده آنها به دلیل ضعف‌های فرهنگی-علمی (باورها یا گرایش‌های نادرست، شیوه‌ها و یا عادات غلط قبلی) است. با توجه به ریشه شکل‌گیری این مقاومت، نظام علم در مواجهه با آن از رویکرد «جذب» استفاده می‌کند. محور اصلی این رویکرد، بکارگیری شیوه‌های تربیتی^۲ مبتنی بر حلم (پرهیز از شیوه‌های قاهرانه و استفاده از روش‌های مبتنی بر مدارا و نرمی کلام و محبت

۱- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلَّمَدُوْقَصَائِلَ كَثِيرَةً... و مرکبه وفاء

۲- دلایل اتخاذ رویکرد تربیتی در پیشبرد اهداف سیر نظام علم به سمت مقصد نجات انسان‌ها را می‌توان به صورت زیر نیز تبیین نمود: ۱- با توجه به اصل وجود اختیار و آگاهی در کلیه فعالیت‌های انسانی که بکارگیری ابزارهای فرب، تهییج، تهدید و یا تشویق‌های بی‌قاعده را غیرمجاز می‌شمارد. ۲- لزوم زمینه‌سازی برای رشد فردی و جمعی انسان‌ها در این نظام، عامل دیگری است که تأییدکننده بکارگیری رویکردهای تربیتی بیان‌شده در سیر نظام علم می‌باشد. ۳- فراهم شدن زمینه‌های لازم برای یقین افراد نسبت به دانش انتشار یافته هم از دیگر دلایل لزوم اتخاذ شیوه‌های تربیتی در مواجهه با مقاومت‌های اجتماعی است. همانگونه که در بخش‌های قبلی بیان گردید دستیابی به رشد، منوط به بکارگیری دانش‌های یقینی شده در مقام عمل می‌باشد. بنابراین لازم است که نظام علم در دستیابی به اهداف خود زمینه اقتناع و کسب یقین دیگران نسبت به صحت دانش خود را فراهم کند (به عنوان مقدمه‌ای ضروری در دستیابی به رشد). البته غالباً در این مرحله از کسب علم، دستیابی به یقین از طریق بررسی صحت خود علم امکان‌پذیر نبوده و تنها از طریق ارزیابی صداقت و امانت فرد عالم، قابل حصول است. بنابراین لازم است که عالمان با استفاده از شیوه‌های تربیتی و بکارگیری حلم، زمینه اطمینان فرد را فراهم کنند.

۳- سوره کهف ۹۵-۹۶: قَالَ مَا مَكَّنِي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ رَدْمًا. ءَأَتُونِي رَذِيًّا أَلَيْدِي حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدْقَيْنِ قَالَ انْفِخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلْنَا نَارًا قَالَ ءَأَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قَطْرًا

فعالیت‌های حکومت اسلامی در قالب فرآیند تعلیم قابل توصیف است. در تکمیل فعالیت‌های تعلیمی، جریان اجتماعی علم موجب رشد نظام علم را فراهم می‌کند. از منظری دیگر، فرآیند تعلیم و آموزش اصول، مانند روح جاری در نظام علم است و فرآیند تعلیم کالبد نظام علم را شکل می‌دهد. حیات و رشد جریان علم در بُعد کالبد، وابسته به انتشار دانش‌های کاربردی مورد نیاز برای رفع نیازهای جامعه می‌باشد. لازم است علم انتشار داده شده نه تنها چگونگی جلب منافع مورد نظر جامعه را تبیین نماید که هم‌زمان با سلائق و سایر اقتضائات خاص آن جامعه هم هماهنگ باشد.^۵ به بیان دیگر، رشد و حیات جامعه علمی، وابسته به انتشار یافتن و پذیرش علوم کسب‌شده و یقینی جهت رفع نیازها و یا جلب منافع خاص است.^۶

از سوی دیگر، فضای آرام و به دور از هرگونه بی‌ثباتی (در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ...) بستر اصلی مورد نیاز برای رشد و حیات جریان علم است.

۴-۵ شاکله نظام علم

نظام علم در نگاه اسلامی، نه تنها به بیان ویژگی‌های اصلی نظام علم می‌پردازد و چگونگی سیر و صیر آن را در دستیابی به اهداف سلامت و رشد توصیف می‌کند بلکه به تبیین شاکله و روح کلی این نظام، اجزاء، عملکردها و فعالیت‌های آن نیز می‌پردازد. این دقت از آن رو است که نظام علم در دیدگاه اسلامی دارای ماهیتی دوساحتی است و به همین دلیل، لازم است که شاکله، نیت و روح کلی جاری در تمامی فعالیت‌ها، عملکردها، سیر و صیر این نظام هم مورد توجه کافی قرار گیرد. این شاکله شامل رویکردهای اصلی انجام فعالیت‌ها و عملکردها، جهت‌گیری‌های حاکم بر فعالیت‌ها و انگیزه‌ها و نیت‌های پشتوانه این جهت‌گیری‌ها است. شاکله اصلی عملکردهای نظام علم را می‌توان به این صورت توصیف کرد: تواضع روح کلی حاکم بر فرهنگ علمی در دیدگاه اسلام است و بنابراین لازم است که ایجاد فرهنگ علمی در جامعه، دارای رویکرد گسترش فروتنی باشد. چنانچه در روایتی تواضع به عنوان سرّ علم معرفی شده است.^۷ همچنین عملکرد

اقتضائات خاص فرهنگی، اجتماعی و ... و حتی سلائق و علائق این افراد هم مورد توجه است.^۱ همچنین پس‌انداز اصلی نظام علم در گسترش سلامت و سیر به سوی مقصد نجات، پرهیز از انجام هرگونه رفتاری است که دارای تبعات و یا دستاوردهای منفی بر روی سلامت فرد یا جامعه باشد.^۲

۳-۵ رشد نظام علم

همانگونه که تعریف نظام علم بیان شد این نظام دارای ماهیتی زنده است که برخوردار از دو نوع حیات و رشد در ساحت مادی و معنوی (کالبد و روح) می‌باشد.^۳ زنده بودن جریان علم به معنای آن است که این جریان دارای فراز و فرود است. می‌تواند از سویی گستره عظیمی از انسان‌ها و حرکت‌های علمی را به خو جذب نماید و یا تا سطحی بسیار محدود (چند تلاش فردی محدود) تقلیل پیدا کند. ماهیت زنده و دارای فراز و فرود این نظام، با توجه به نقش اصلی تلاش و حرکت فعالانه و مختار انسان‌ها در شکل‌گیری این نظام، قابل تبیین است.

حیات جریان علم دارای دو ساحت مادی و معنوی است و این جریان در هر یک از این دو ساحت برخوردار از فراز و فرود می‌باشد. رشد جریان علم در ساحت مادی خود، مربوط به توانایی بسط علوم کسب‌شده و دستیابی به مراتب بالاتری از علم و نیز رشد و توسعه (کمی و کیفی) تلاش‌های فردی، حرکت‌های علمی و نیز جریان علم می‌باشد. حیات معنوی جریان علم نیز اشاره به روح جاری در نظام علم دارد. روحی که موجب زنده بودن، هماهنگی و یکپارچگی اجزاء و عملکردها، حرکت و سیر و رشد نظام علم می‌باشد. این روح، هدایت و تعلیماتی است که از جانب خداوند متعال و به واسطه معلمان بشریت و حاکمان الهی در نظام و جریان اجتماعی علم، جاری و آنها را زنده، هماهنگ و یکپارچه می‌کند و همچنین موجب جهت‌دهی به کلیه عملکردها و فعالیت‌های این نظام می‌شود.^۴ چنان که قبلاً نیز بیان شد کلیه

۱- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... و ماله ادب

۲- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... و ذخیره اجتناب الذنوب

۳- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... وَ زَادَهُ الْمَعْرُوفُ وَ {مَأْوَةٌ} الْمَوَادِعَةُ وَ {دَلِيلَةٌ} الْهُدَى- وَ {رَفِيعَةٌ} مَحَبَّةُ الْأَخْيَارِ

۴- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... و دلیله الهدی

۵- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... و ماله ادب

۶- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... و زاده المعروف

۷- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... فراسه {التواضع}

به منافع ماندگار و عمیق ایشان را فراهم می‌کند و به همین دلیل، روح کلی حاکم بر تشخیص منافع مورد نظر برای دانش می‌باشد.

رحمت، جهت‌گیری اصلی بکارگیری علم را تعیین می‌کند.^۵ منظور از رحمت، فراهم کردن امکانات لازم برای رشد افراد و جامعه در حد استحقاق ایشان است. گفتگو و تعامل با علماء، رویکرد اصلی برای فراهم کردن بسترهای لازم جهت انتفاع از علم است.^۶ زیرا علماء دارای مسئولیت‌های محوری در جریان جریان علم هستند و فراهم کردن الزامات و بسترهای مختلف مالی، فرهنگی، اجتماعی و ... برای توسعه انتفاع از علم، با کمک و همکاری ایشان صورت می‌پذیرد. همچنین نظام علم در سیر خود دارای دو جهت‌گیری سلامت و نجات، به عنوان شاکله اهداف خرد و کلان نظام علم است. همچنین برنامه‌ریزی برای دستیابی به این اهداف در چارچوب پرهیز از نپایدها بوده و رافع موانع پیش‌رو برای گسترش سلامت و نجات نیز مقید به مدارا و حلم و استفاده از شیوه گفتگو است. شاهدی بر این امر روایتی است که می‌فرماید "همت علم سلامت است و حکمت آن تقوی و ورع. استقرار آن در نجات است و راهنمای او عافیت. مرکب آن وفاداری است و سلاح آن نرمی کلام و شمشیرش رضا و کمانش مدارا و ارتش علم گفتگو با علما"^۷.

رویکرد اصلی نظام علم برای رشد کالبدی، انجام امور نیک و مطابق پسند دیگران، عمومی کردن شیوه‌های مناسب برای دستیابی به منافع مورد نظر و ایجاد محیطی آرام و باثبات است. رویکرد این نظام برای رشد معنوی نیز ارتباط مستمر با نیکان، دریافت هدایت‌های الهی و حرکت در چارچوب آن می‌باشد.^۸

عملکرد کسب علم، دارای سه فعالیت اصلی شناسایی مأخذ علم، دریافت منفعل و دریافت فعال علم است که شاکله اصلی این فعالیت‌ها، به ترتیب عبارتند از: دوری از حسادت، تلاش برای دستیابی به فهم و نهایتاً گفتگوی صادقانه.^۱ دوری از حسادت زمینه دیدن برتری‌های علمی سایر افراد (به عنوان اصلی‌ترین مأخذ علم) را فراهم کرده و به این ترتیب باب کسب علم را باز می‌کند. اصلی‌ترین جهت‌گیری تلاش فعالانه برای کسب علم، دستیابی به فهم عمیق است و رویکرد اصلی در این تلاش، گفتگوهای توام با صداقت است. صداقت در گفتگوهای علمی موجب می‌شود که با بیان دقیق و صادقانه نیازها و منافع مورد نظر و انگیزه جلب این منافع، امکان تبادل کامل دانش مورد نیاز برای فرد فراهم شود. همچنین وجود صداقت در کسب علم و پرسش‌های علمی، زمینه از بین رفتن فاصله بین علم، بکارگیری آن و همچنین انگیزه‌های لازم برای آن را از بین می‌برد و امکان فهم عمیق دانش و سپس انتفاع از آن را فراهم می‌آورد.

ساماندهی دانش کسب‌شده به دنبال ایجاد منظومه‌ای منسجم و جامع از تمامی علوم است تا به این ترتیب، جایگاه هر گزاره علمی را در نسبت با سایر علوم شناسایی کند. دستیابی به چنین منظومه‌ای نیازمند تفحص در علوم، برای رصد تغییرات احتمالی این علم و به‌روز نگه داشتن آن، فهم عمیق و صحیح هر دانش و دستیابی به وجوه مختلف آن با در نظر گرفتن شرایط و اقتضائات کاربرد این علم می‌باشد.^۲ نیت نیکو، شاکله اصلی انگیزه‌های حرکت در نظام علم را تشکیل می‌دهد^۳ و جهت‌دهی به چگونگی انتفاع از علم در چارچوب چارچوب شناخت حاصل‌شده نسبت به حقیقت اشیاء و امور است.^۴ منظور از حسن‌نیت، انگیزه‌ای است که هیچگونه تناقضی با اهداف سلامت فردی و یا جمعی نداشته باشد. همچنین شناخت حقیقی نسبت به امور، امکان قضاوت صحیح در مورد مفید بودن این امور یا اشیاء، در جهت دستیابی

۵- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... و یده {الرحمة}

۶- الکافی ج ۱ باب النوادر ... ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... و رجله {زيارة العلماء}

۷- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ و إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... هِمَّتُهُ {السَّلَامَةُ} وَ حِكْمَتُهُ {الْوَرَعُ} وَ مُسْتَقَرُّهُ {النَّجَاةُ} وَ قَائِدُهُ {العَاقِبَةُ} وَ مَرْكَبُهُ {الْوَفَاءُ} وَ سِلَاحُهُ {لِينُ الْكَلِمَةِ} وَ سَيْفُهُ {الرِّضَا} وَ قَوْمُهُ {الْمُدَارَاةُ} وَ جَيْشُهُ {مُحَاوَرَةُ الْعُلَمَاءِ}

۸- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... وَ زَادَهُ {الْمَعْرُوفُ} وَ مَاؤُهُ {الْمُواذَعَةُ} وَ دَلِيلُهُ {الْهُدَى} وَ رَقِيقَتُهُ {مَحَبَّةُ الْاٰخِيَارِ}

۱- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... و عینه {برائه من الحسد} و اذنه {الفهم} و لسانه {الصدق}

۲- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... و حفظه {فحص}

۳- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... و قلبه {حسن النية}

۴- الکافی ج ۱ باب النوادر ص ۴۸ إِنَّا لَعَلِّمُدُّوْفَضَائِلَ كَثِيرَةً... و عقله {معرفة الاشياء و الامور}

۶- نتیجه گیری

در این تحقیق تلاش شد تا ویژگی‌های اصلی نظام اسلامی علم بیان شود. ضرورت تلاش برای معرفی چنین نظامی از آن رو است که تجربه سال‌های اخیر، محدودیت‌های مدل‌های نوآوری موجود را بیش از پیش آشکار کرده است. علاوه بر این، لزوم توجه به جهان‌بینی متفاوت اسلامی و در نظر گرفتن اقتضائات بومی کشور در این مدل‌ها نیز از دیگر عواملی است که نیاز به توسعه مدل‌های نوآوری بومی-اسلامی را نشان می‌دهد. به عنوان نمونه می‌توان به ضعف‌های لایحه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از نگاه اسلامی [۲۲] اشاره کرد.

به عنوان جمع‌بندی این مقاله و جهت ایجاد یک تصویر کلی نسبت به ویژگی‌های اصلی بیان‌شده برای نظام اسلامی علم می‌توان از استعاره‌ای استفاده کرد. با زبان استعاره، می‌توان این جریان را به انسانی فعال و پویا تشبیه نمود که به وسیله تعامل و همکاری با سایر افراد به دنبال ایجاد محیطی سالم و فارغ از هرگونه نقص و کاستی و در نهایت نجات همه انسان‌ها است. این فرد تحت تعلیم معلمانی قرار دارد. طی کردن این فرآیند تعلیم، از یک سو زمینه رشد وی را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، موجب ساخته شدن جامعه می‌شود. هماهنگی و سازگاری بیان‌شده در رشد فرد و ساخته شدن جامعه، تنها به دلیل روش خاصی است که توسط معلمان در فرآیند تعلیم بکار گرفته می‌شود. روشی که از یک سو به ارائه اصول علم می‌پردازد و از سوی دیگر، با ارائه راهنمایی‌هایی، کسب علوم جدید (در چارچوب این اصول) را زمینه‌سازی می‌کنند. روشی که افزایش علم در آن، منوط به بکارگیری دانش کسب‌شده، نشر علم و آموزش آن به دیگران است.

بر اساس این استعاره، تلاش این فرد حول چند فعالیت اصلی تمرکز می‌یابد که این فعالیت‌ها عبارتند از: شکل‌دهی به یک حرکت علمی اولیه (کسب منفعل و فعالانه علم، راهبری حرکت علمی و بکارگیری علم)، سیر اجتماعی برای دستیابی گسترش سلامت و نجات انسان‌ها (رفع موانع پذیرش عمومی علم، آموزش و تعلیم دیگران) و رشد یافتن (حفظ حیات و رشد ظاهری حرکت علمی و رشد معنوی حرکت علمی).

همچنین حرکت در مسیر سلامت و نجات ایجاد می‌کند که تمامی فعالیت‌های انجام‌شده توسط این فرد و یا اجزاء او در چارچوب و حدود خاصی تنظیم شود. چارچوب و یا

جهت‌گیری کلی حاکم بر رفتارهای مختلف این فرد و اجزاء آن، شاکله رفتارهای او را می‌سازد. در مقام استعاره، می‌توان شاکله اجزاء و یا فعالیت‌های اصلی این فرد را به این صورت بیان کرد: سر این فرد، تواضع است و چشم آن دوری از حسد، گوش آن فهم، زبان آن صداقت، حافظه آن بررسی و جستجو، قلب آن حسن‌نیت، عقل آن معرفت به اشیاء و امور، دست آن رحمت و پای آن مذاکره با علماء است. همت این فرد معطوف به ایجاد سلامت است و برنامه او برای دستیابی به سلامت در چارچوب ورع و دوری از ناپایدها تنظیم می‌شود. چشم‌انداز و مقصد حرکت و تلاش او، نجات همه انسان‌ها و موجودات است و در این حرکت ابزارهای او برای دفاع از خود، نرمی کلام، رضایت، مدارا و گفتگو با علما است. اصلی‌ترین وسایل او برای پیشبرد اهداف و پرداختن به امور خود، ادب و سرمایه او در این تلاش، دوری از ذنوب است. توشه و آب او، انجام معروف و صلح جویی است و راهنما و دوستان او در این مسیر، هدایت و محبت نیکان می‌باشد.

بر اساس استعاره‌ای دیگر می‌توان سیر اجتماعی این فرد در گسترش سلامت را به این صورت توصیف کرد: جریان علم مانند طبیب عالم و مهربانی است که برای گسترش سلامت در جامعه و نجات انسان‌ها، منتظر مراجعه بیماران باقی نمی‌ماند بلکه خود، بیماران و نیازمندان را شناسایی کرده و با اولویت‌بندی بیماری‌های ایشان بر اساس برخی از معیارهای عادلانه، جهت معالجه به آنها مراجعه می‌کند. در فرآیند معالجه، طبیب تلاش می‌کند که ابتدا اعتماد فرد را نسبت به شیوه درمان جلب کند و موانع موجود بر سرراه پذیرش شیوه مداوا را از بین ببرد. پس از رفع موانع موجود نه تنها به درمان فرد بیمار می‌پردازد بلکه جهت رشد دادن فرد بیمار و ایجاد مصونیت در او، به آموزش شیوه درمان هم پرداخته و امکانات مورد نیاز برای درمان را در اختیار خود وی قرار می‌دهد.

در این مقاله، ویژگی اصلی و کلی نظام اسلامی به عنوان گامی اولیه و بسیار کوچک در مسیر طولانی دستیابی به پیشرفت اسلامی-ایرانی تبیین گردید. شاید بتوان این پژوهش را به عنوان مقدمه‌ای برای شکل‌گیری تحقیقات و پژوهش‌های دیگری دانست که در نقد، اصلاح یا تکمیل ویژگی‌های اصلی این نظام به نگارش درآمده و یا تلاش

- [۸] خسروپناه، ع. (۱۳۸۹). چیستی و گستره علم دینی از نظرگاه آیت‌الله جوادی آملی. اسراء، ۳(۲): ۲۷-۴۸.
- [۹] پارسانیا، ح. (۱۳۷۶). علم سکولار و علم دینی. معرفت، ۶(۳): ۳۵-۴۳.
- [۱۰] پارسانیا، ح. (۱۳۸۸). علم دینی از منظر حکمت اسلامی. راهبرد فرهنگ، ۶: ۱۹-۳۰.
- [۱۱] واعظی، ا. (۱۳۸۷). علم دینی از منظر آیت‌الله جوادی آملی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۴(۱): ۹-۲۴.
- [۱۲] سوزنجی، ح. (۱۳۸۸). علم دینی به منزله مبنایی درباب نحوه تعامل علم و دین. راهبرد فرهنگ، ۶: ۳۱-۵۶.
- [۱۳] رجیبی، م. (۱۳۹۰). امکان علم دینی. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۳(۴): ۵-۲۸.
- [۱۴] رضایی، ع. (۱۳۸۳). تحلیل ماهیت فناوری آسیب‌شناسی علل بنیادی عقب‌افتادگی علمی و فناوریکی جوامع اسلامی. تهران: مجنون.
- [۱۵] صادقی، ع. (۱۳۹۲). الگوی بومی توسعه نوآوری مبتنی بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری بر اساس روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. دومین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت.
- [۱۶] سرآبادانی، ا. و سلامی، ر. (۱۳۹۱). زیرساخت‌های نرم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: سرمایه اجتماعی و تکنولوژی. اولین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: نقشه‌راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت.
- [۱۷] حیدری، م. و اقبالی، م. (۱۳۹۱). شاخص‌های نوآوری با توجه به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. اولین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: نقشه‌راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت.
- [۱۸] مؤمن، ز. (۱۳۹۱). سیاست‌گذاری علم و فناوری در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. اولین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: نقشه‌راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت.
- [۱۹] فاتح‌راد، م. و نقوی، م. ح. (۱۳۹۲). دانشگاه حکمت‌بنیان و قلب الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. دومین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت.
- [۲۰] شاه‌ولی، م. (۱۳۹۲). تبیین پارادایم نظام متعالیه نوآوری برای تحقق پایداری. دومین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت.
- [۲۱] خسروپناه، ع. (۱۳۹۰). الگوی حکمی-اجتهادی علوم انسانی. دوفصلنامه حکمت و فلسفه، ۱۹: ۲۹-۶۶.
- [۲۲] رادمش، سیدعلیرضا و تقوی، مصطفی. (۱۳۹۴). تحلیل بخش علم و فناوری لایحه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت با توجه به اقتضائات اسلامی. فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال ۷، شماره ۳، ۵۷-۷۰.

می‌کنند قدمی فراتر نهاده و جزئیات بیشتری از این نظام را معرفی نمایند.

این مقاله به عنوان یکی از اولین گام‌ها با محدودیت‌های بسیاری مواجه بوده است و به همین دلیل، نتایج به دست آمده نیز دارای ضعف‌های زیادی است. فقدان پژوهش‌های پیشین در این حوزه (پژوهش‌های با رویکرد اسلامی که هدفشان ارائه مدلی باشد به خصوص پژوهش‌هایی مبتنی بر منابع دست اول اسلامی)، و نیز ورود بسیار محدود اندیشمندان و پژوهشگران فعال در حوزه‌های اسلامی به مسائل علم و فناوری از دیگر عواملی است که محدودیت‌های جدی را در مسیر پژوهش سبب گردید. همچنین یافتن شیوه مناسب ارائه نتایج پژوهش نیز یکی دیگر از محدودیت‌های جدی این تحقیق بوده است و نتایج باید به گونه‌ای ارائه می‌شد که مناسب با ادبیات و علائق پژوهشگران حوزه علم و فناوری باشد و هم‌زمان بتواند دقت‌های لازم جهت مستند کردن دستاوردهای حاصل‌شده به منابع اسلامی را هم لحاظ نماید.

References

منابع

- [۱] قانع‌راد، م. ا. و ریاحی، پ. (۱۳۸۹). نگاه به علم و فناوری از منظر توسعه: بررسی رابطه نوآوری و نابرابری. رشد فناوری، شماره ۲۵، ۴۸-۵۸.
- [۲] مختاریان‌پور، م. (۱۳۹۱). پارادایم تعالی، جایگزین پارادایم توسعه: ضرورت تحول در چارچوب شاخص‌گذاری برای پیشرفت. اولین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: نقشه‌راه تدوین و طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت.
- [۳] قائمی اصل، م. و حسینی دولت‌آبادی، س. م. (۱۳۸۸). فراتر از شاخص توسعه انسانی بارویکردی اسلامی. ششمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی. دانشگاه تربیت مدرس.
- [4] Arocena, R., & Sutz, J. (2003). Inequality and innovation as seen from the South. *Technology in Society*, 25(2), 171-182.
- [5] Cozzens, S. E. (2007). Distributive justice in science and technology policy. *Science and Public Policy*, 34(2), 85-94.
- [6] Moulart, F., & Nussbaumer, J. (2005). The social region beyond the territorial dynamics of the learning economy. *European urban and regional studies*, 12(1), 45-64.
- [7] Arocena, R., & Sutz, J. (2000). Looking at national systems of innovation from the South. *Industry and Innovation*, 7(1), 55-75.